

خواص روز "سپاه ملی" برای حزب دمکرات کردستان

عبدالله شریفی

حزب دمکرات کردستان ایران هر سال در روز ۲۶ آذر، به مناسبت روز پیشمرگ مراسمهایی برپا میکند. امسال اسم آنرا گذاشته است روز "سپاه ملی".

ببینیم داستان از چه قرار است؟ روز ۲۶ آذر ۱۳۲۴ حدود چهل روز قبل از اعلام جمهوری مهاباد، با حمله مردم شهر مهاباد به شهربانی این شهر، که به عنوان آخرین سمبل حاکمیت رژیم پهلوی در این شهر باقی مانده بود، سران حزب دمکرات آن روز را بعدا روز تشکیل سپاه ملی کرد اعلام کردند. سوال این است، این نیروی مسلح، این سپاه، چه بود؟ چگونه سازمانی بود؟ در چه شرایطی و برای چه اهدافی شکل گرفت؟ این سپاه نیروی نظامی عشایری بود. به نقل از کتاب: (۵۰ سال مبارزه)، نوشته جلیل گادانی جلد اول، ترکیب این سپاه ملی چنین بوده است:

«... عشایر بارزانی به رهبری ملا مصطفی ۱۲۰۰ نفر، عشیره دیگر بارزانی ۹۰۰ نفر به رهبری شیخ احمد جلالی (این دو عشیره از کردستان عراق به کردستان ایران آمده بودند) عشیره ای از شکاک زیر نظر عمر خان ۸۰۰ نفر، عشیره دیگر از شکاک به سرکردگی طاهر خان سمکو ۵۰۰ نفر، عشیره هرکی سرکرده رشید بیگ ۵۰۰ مسلح، عشیره بیگزاده سرکرده نوری بیگ ۵۰۰ نفر، عشیره هرکی زیرو بیگ ۷۰۰ مسلح، طایفه سید عبدالله گیلانی زاده ۲۰۰ مسلح، عشیره زه رزا با سرکردگی موسی خان ۳۰۰ مسلح، قره پایاغ پاشا خان ۵۰۰، دو عشیره از مامش ۹۰۰ مسلح، عشایر منگور به سرکردگی علی خان و کاکه الله آغا محمدی ۶۰۰ مسلح، پیران ۳۰۰، گه ورکی سردشت ۲۰۰، گه ورک مهاباد ۳۰۰، گه ورک سقز ۴۰۰، مجموعه خیل و طوایف دیگر سردشت و سوسنی ۶۰۰ نفر، دیبکری مهاباد و بوکان به سرکردگی ایلخانی زاده ۹۰۰ مسلح، عشایر فیض الله بیگی بوکان و سقز ۸۰۰ مسلح، طایفه بداعی ۲۰۰، مجموعه طوایف شاهیندژ ۳۰۰ مسلح، دسته حمه رشید خان بانه ۳۰۰ مسلح و عشایر جوانرود و اورامان ۱۵۰ مسلح...» به این ترتیب مجموعه ای ۱۲۷۵۰ مسلح صد در صد عشایری سپاه ملی را تشکیل میداد.»

عبدالله پشدری در کتاب (یادداشتهایم) در این باره می نویسد:

«... بسیاری از خانها و روسای عشایر که به حزب دمکرات روی میاوردند بطور افتخاری به آنان رتبه و نشان نظامی اعطا می شد... روسای عشایر خود لباس افسری میخریدند و خود درجات را روی شانه هایشان میدوختند... کم نبودند از سران عشایر از حزب سلاح میگرفتند و آنها را بفروش میرساندند و دیگر باز نمی گشتند...»

تاریخ جوامع تاریخ مبارزه طبقاتی است. خارج از آن، داستان سرایی و قصه گویی است. سرهم کردن داستان و اسطوره و خرافه و شرح غارتگریها و چپاول عشایر و سران ایلات، تاریخ نیست. حزب دمکرات هم در این تصویر سازی کاذب بر سه محور "رهبر"، "دولت"، "ارتش یا سپاه ملی" دست بالایی دارد. انگار در آن جامعه، شهری نبوده است، هرچه هست روستا و کوه و رعیت و "آغا"های "کرد" اند و خانقاه و تکایای شیوخ مرتجع که از دیر باز و از دوران "مادها" به "کردایه تی" مشغول بوده اند. این تصویر دروغین را نمیتوان به نام تاریخ به جوان امروزی و به مردم شهری دنیای دهکده جهانی حقنه کرد. حزب دمکرات هر ساله در مورد جمهوری مهاباد در مورد سپاه ملی و در مورد قاضی محمد حکایتها می سراید و خرافه هایشان را مرور میکنند، تا بلکه بتوانند آنها را بخورد مردم بدهند و یا لاقط سردرگمی و آشفتگی ایجاد کنند. کادرهای حزب کمونیست کارگری درباره تحریفهای ناسیونالیستی حزب دمکرات مقالات و جزواتی منتشر کرده اند و سال

گذشته یکبار دیگر به محتوای واقعی جمهوری مهاباد نگاهی مختصر داشتیم و پایگاه طبقاتی آنرا شکافتیم. ما افشای پروژه ملت سازی ناسیونالیسم کرد را کماکان وظیفه خود میدانیم.

اما سوال این است که چرا حزب دمکرات سالروز تشکیل نیروی "سپاه" را که اساسا از عشایر و روسای فئودالها تشکیل شده و بطور مداوم به غارت و چپاول مردم مشغول بودند، جشن میگیرد و بعنوان رکنی از ملت سازی خود در بوق میکند؟ جامعه ایران و کردستان که سالهاست از فئودالیسم و دوران خانجانی فاصله گرفته است، چرا این جامعه مدرن و شهری و با مردمانی متمدن، از منظر حزب دمکرات هنوز باید بدهکار فرهنگ عقب مانده دورانهای عتیق و سپری شده باشد؟

یافتن فلسفه این نگرش به مردم و تاریخ، زیاد مشکل نیست. ناسیونالیسم کرد با تمام احزاب و شاخه هایش هنوز در عالم فئودالی و حتی برده داری سیر میکند، عوامل اصلی ملت سازی ناسیونالیسم کرد از دورانهای پیشاسرمایه داری و از دورانهای تمدن غیر شهرنشینی تغذیه میکند. بعد از ۵۷ سال، این علت اصلی چراغانی های حزب دمکرات برای گردآوری قوای مسلح عشایر کرد در سال ۲۴ تحت عنوان "سپاه ملی" است.

اما بعلاوه حزب دمکرات اهداف دیگری را همزمان تعقیب میکند: حزب دمکرات وفاداری خود را به حزب طبقات استثمارگر، به ملاک و سرمایه داران و تجار و صاحبان کوره های کرد بار دیگر تاکید میکند. حزب دمکرات با نوستالژی دوران بروبیای فئودالها و سران عشایر و هوزهای حشم دار، دارد به مرتجعین و تجار و بورژوازی کرد خود را بعنوان حزب آنها بار دیگر در دستشان میگذارد. و این صرفا یک ژست سیاسی نیست، با توجه به اوضاع بحرانی رژیم اسلامی، چراغ سبزی است به کلیه نیروهای "کردی" که در کردستان و حتی خارج کردستان به نحوی در پناه رژیم اسلامی اند و در شرایطی به حزب "خوشه ویست گه لی کورد" اعلام وفاداری مجدد خواهند کرد. فراکسیون نمایندگان کرد مجلس اسلامی و امثال روسای انستیتو کرد تهران و طیفی از نویسندگان و ادبای پرورده در دامن رژیم اسلامی و افراد "کرد" مسلح در حال خدمت و ارتزاق در درون نیروهای سرکویگر جمهوری اسلامی و مراکز مذهبی و اداری آن، از این قماش اند. حزب دمکرات قصیده کردی "سپاه" کردستان را برای دوران خلا ناشی از فروپاشی جمهوری اسلامی در برابر این نیروها و طیفهای مرتجع قرار میدهد.

وبالاخره اوضاع کردستان عراق و تبدیل شدن احزاب هم طایفه حزب دمکرات در کردستان عراق بعنوان اجزا پیاده نظام نقشه های آمریکا برای منطقه، حزب دمکرات را به این صرافت انداخته است تا اولاً بعنوان حزب دارای "سپاه" و سنت سپاه داری شناخته شود. از این طریق چشم به مرحمتهای آمریکا و قدرتهای بزرگ دوخته تا "سپاهش" را ببینند و حزب دمکرات صاحب "سپاه" را به بازی بگیرند. ثانیاً اطمینان میدهد که این حزب با اتکا به ابزار "سپاه" و نیروی مسلح دست به مناسبات ارتجاعی و ظالمانه استثمارگرانه و عقب مانده نخواهد زد و در برابر مدرنیسم، افکار پیشرو و سوسیالیستی و برابری طلبانه، معیارهای "دمکراسی" امثال بوش و احمد چلبی و آیت الله حکیم را نگهبان خواهد بود. این کل فلسفه علم کردن سپاه کردستان توسط حزب دمکرات است. "سپاه"ی که قرار است پاسدار سنن و فرهنگ ارتجاعی عشایری و عقاید مذهبی و تعصب سنی گری باشد. "سپاه"ی که در برابر تکامل جامعه، در برابر برابری طلبی زنان و مبارزه برای یک زندگی مدرن و امروزی و علیه گرایشات نفرت پراکنی قومی و ناسیونالیستی قرار است تخته پرش حزب دمکرات و لایه های مرتجع جامعه کردستان به قدرت محلی باشد.

حزب دمکرات قدرت و نفوذ کلام کمونیستها را در کردستان تجربه کرده است، و تلخی شکست ماجراجوییهای نظامی و تحریکات ضدکمونیستی خود را چشیده است. تصور اینکه حزب دمکرات با احضار ارواح امثال حمه رشید خان بانه بتواند مردم کردستان را به قهقرای ناسیونالیسم فئودال عشیره ای خود بکشاند، آنهم در شرایطی که صفوف کمونیسم کارگری روز

بروز در میان اکثریت جوانان و زنان و کارگر شهری کردستان محکمتر و قدرتمندتر میشود، یک اوهام ارتجاعی است.

۲۶ آذر ۱۳۸۱